وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعٰلَمِينَ ﴿٥٢﴾

سُورَةُ الْحَاقَّةِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَآقَّةُ ﴿١﴾
مَا الْحَآقَّةُ ﴿٢﴾
وَمَآ أَدْرٰىكَ مَا الْحَآقَّةُ ﴿٣﴾

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾
فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا
فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعٰى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾

را[١] ومی‌گويند هرآئينه اين پيغامبر ديوانه است (٥١) .

وبحقيقت نيست اين قرآن مگر پندی عالمهارا (٥٢) .

سوره حاقه مكی است وآن پنجاه ودوآيت ودو ركوع است

بنام خدای بخشاينده مهربان .

قيامت (١) .

چيست آن قيامت (٢) .

وچه چيزخبرداركردتراكه چيست آن قيامت[٢] (٣) .

دروغ شمردقبيله ثمود وعاد قيامت را (٤) .

اماثمود پس هلاك كرده شد ايشانرا به نعرهٔ تند (٥) .

واماعاد پس هلاك كرده شدايشانرا به بادسخت ازحددرگذشته (٦) .

خدا برگماشت آن بادرابرعاد هفت شب وهشت روز نهايت نحس پس می بينی ای بيننده آن قوم عاد رادر آن شب ها وروزها بزمين افتاده‌گويا ايشان تنه های درختان خرمای ازكهنگی برهم شده اند . (٧)

---

(١) واين كنايه است از شدت عداوت ايشان .

(٢) مترجم‌گويد ظاهر نزديك بنده آنست كه معنی آيت ست عقوبتِ ثابت چيست آن عقوبتِ ثابت وهر چيز مطلع ساخت تراكه چيست آن عقوبتِ ثابت بعد ازآن چند عقوبتِ‌گذشته رابيان فرمود .

فَهَلْ تَرٰی لَهُمْ مِّنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

پس آیامی بینی ازایشان هیچ اثری (٨) .

وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهٗ وَالْمُؤْتَفِكٰتُ بِالْخَاطِئَةِ ﴿٩﴾

وبعمل آورد فرعون وآنانکه پیش ازوی بودند واهل موتفکات نیزگناه را (٩) .

فَعَصَوْا رَسُوْلَ رَبِّهِمْ فَاَخَذَهُمْ اَخْذَةً رَّابِيَةً ﴿١٠﴾

پس نافرمانی کردند فرستادۀ پروردگار خودراپس درگرفت خدا آنجماعت را درگرفتن عظیم (١٠) .

اِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَآءُ حَمَلْنٰكُمْ فِی الْجَارِيَةِ ﴿١١﴾

هرآئینه ماوقتیکه ازحد گذشت آب سوارکردیم شمارا برکشتی روان (١١) .

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَّتَعِيَهَآ اُذُنٌ وَّاعِيَةٌ ﴿١٢﴾

تابکنیم این مقدمه رابرای شماپندی ویاد داردآن را گوش یاد دارنده (١٢) .

فَاِذَا نُفِخَ فِی الصُّوْرِ نَفْخَةٌ وَّاحِدَةٌ ﴿١٣﴾

پس چون دمیده شود درصوریك بار دمیدن (١٣) .

وَّحُمِلَتِ الْاَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَّاحِدَةً ﴿١٤﴾

وبرداشته شود زمین و کوه هارا پس کوفته شود ایشان رایکبار کوفتن (١٤) .

فَيَوْمَئِذٍ وَّقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾

پس آنروز متحقق شود قیامت (١٥) .

وَانْشَقَّتِ السَّمَآءُ فَهِیَ يَوْمَئِذٍ وَّاهِيَةٌ ﴿١٦﴾

وبشگافد پس آسمان آنروز سست شده باشد (١٦) .

وَّالْمَلَكُ عَلٰٓی اَرْجَآئِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمٰنِيَةٌ ﴿١٧﴾

وفرشتگان برکناره های آسمان باشند وبردارند تخت پروردگارترا بالای خویش آنروز هشت کس (١٧) .

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُوْنَ لَا تَخْفٰی مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾

آنروز پیش آورده شود شمارا پنهان نماندازحال شما هیچ سِرّی (١٨) .

فَاَمَّا مَنْ اُوْتِیَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ فَيَقُوْلُ هَآؤُمُ اقْرَءُوْا كِتٰبِيَهْ ﴿١٩﴾

اماآنکه پس داده شدش نامۀ اعمال او به دست راست اوپس گوید بگیرید بخوانید نامۀ اعمال مرا (١٩) .

اِنِّیْ ظَنَنْتُ اَنِّیْ مُلٰقٍ حِسَابِيَهْ ﴿٢٠﴾

هرآئینه من معتقد بودم که من بهم خواهم رسید بحساب خود (٢٠) .

فَهُوَ فِیْ عِيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿٢١﴾

پس آن شخص درزندگانی پسندیده

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾
قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيٓـًٔا بِمَآ أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ
الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾
وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَـٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ يَـٰلَيْتَنِي لَمْ
أُوتَ كِتَـٰبِيَهْ ﴿٢٥﴾
وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ ﴿٢٦﴾
يَـٰلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾
مَآ أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهْ ﴿٢٨﴾
هَلَكَ عَنِّي سُلْطَـٰنِيَهْ ﴿٢٩﴾
خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿٣٠﴾
ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿٣١﴾
ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾
إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾
وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾
فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَـٰهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾
وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٣٦﴾
لَّا يَأْكُلُهُۥٓ إِلَّا الْخَـٰطِـُٔونَ ﴿٣٧﴾

باشد (٢١) .
دربهشتی بلند (٢٢) .
که میوهٔ آن قریب الحصول ست (٢٣) .
(گفته شود) بخورید وبیاشامیدخوردن وآشامیدن گوارا بسبب آنچه پیش فرستاده بودید درروز های گذشته (٢٤) .
واماآنکه داده شدش نامهٔ اعمال اوبدست چپ اوپس گوید ای کاش داده نمی شدمرانامهٔ اعمال من (٢٥) .
ای کاش نمیدانستم چیست حساب من (٢٦) .
ای کاش مرگ آخر کنندهٔ کار بودی (٢٧).
هیچ نفع نه کرداز من مال من (٢٨) .
زائل شداز من پادشاهی من (٢٩) .
(گفته شودای فرشتگان) بگیریدش پس طوق به گردن کنیدش (٣٠) .
بازدردوزخ داخل کنیدش (٣١) .
بازدر زنجیری که درازی آن هفتاد گزباشد درآریدش (٣٢) .
هرآئینه این شخص ایمان نمیداشت بخدای بزرگ (٣٣) .
ورغبت نمیداد مردمان رابرطعام دادن فقیر (٣٤) .
پس نیست این شخص را امروز اینجاخویشاوندی (٣٥) .
ونیست (این شخص را) هیچ طعامی مگراز چرك وخون (٣٦) .
که نخورند آنرا مگرگناهگاران (٣٧) .

فَلَآ أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾

پس قسم میخورم بآنچه می بینید (٣٨) .

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾

وآنچه نمی بینید (٣٩) .

إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾

هرآئینه این (قرآن) گفتار فرشتهٔ بزرگوار ست (٤٠) .

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ ۚ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

ونیست آن گفتار شاعر، اندکی ایمان می‌آرید (٤١) .

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

ونیست گفتارکاهن، اندکی پندمی پذیرید (٤٢) .

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿٤٣﴾

فرودآورده شده است ازجانب پروردگار عالمها (٤٣) .

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾

واگر می بست پیغامبربرما بعض سخن هارا (٤٤) .

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾

هرآئینه می گرفتیم ازدست راست اورا (٤٥) .

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾

بازمی بریدیم رگ دل اورا[1] (٤٦) .

فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حٰجِزِينَ ﴿٤٧﴾

پس نیست ازشما هیچکس ازو بازدارنده[2] (٤٧) .

وَإِنَّهُۥ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

وهرآئینه قرآن پندی ست پرهیزگاران را (٤٨) .

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

وهرآئینه مامیدانیم که بعض شمادروغ پندارنده اید (٤٩) .

وَإِنَّهُۥ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾

وهرآئینه قرآن حسرت ست برکافران (٥٠) .

وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾

وهرآئینه قرآن حقیقت درست ست (٥١) .

---

(١) مترجم گوید عادت سیاف آنست که دست راست اسیر رابدست چپ خود بگیردوشمشیر بگردن اوحواله کند لهذا باین اسلوب گفته شد .

(٢) یعنی عقوبت مارا .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

پس به پاکی یادکن پروردگار بزرگوار خودرا (۵۲) .

سُورَةُ الْمَعَارِج

سوره معارج مکی است وآن چهل وچهار آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾

طلب کرد طلب کننده عقوبتی فرودآینده (۱) .

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿٢﴾

برکافران فرودآینده، نیست اوراهیچ بازدارنده[۱] (۲) .

مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿٣﴾

فرودآینده ازجانب خدا، خداوندِ مرتبه هاکه (۳) .

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾

برآن صعود کرده شود بالامی روند فرشتگان وروح نیز[۲] بسوی خدا درروزی که هست مقدارآن پنجاه هزار سال (٤) .

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾

پس صبر کن صبر نیك (۵) .

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ﴿٦﴾

هرآئینه کافران دورمی بینند آن روزرا (٦) .

وَنَرَاهُ قَرِيبًا ﴿٧﴾

ومانزدیك می بینیمش (۷) .

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾

روزی که شود آسمان مانند مس گداخته (۸) .

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾

وشوندکوه ها مانند پشم رنگین (۹) .

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾

ونپرسد هیچ خویشاوند خویشاوند دیگررا (۱۰) .

يُبَصَّرُونَهُمْ ۚ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ

ونموده شودایشان را قرابتیان ایشان آرزو

(۱) یعنی گفتند "متی هذاالوعد ان کنتم صادقین" .

(۲) یعنی جبرئیل علیه السلام .